

راوی پژوهی «محمد بن علی بن نعمان» معروف به «مؤمن الطاق»

مرتضی حائری شیرازی^۱

محمد فیاضی^۲

چکیده

محمد بن علی بن نعمان، ملقب به «مؤمن الطاق»، از اصحاب امام صادق علیه السلام است. او _ که متکلمی توانا بود _ در مناظرات بسیاری با دشمنان اهل بیت علیهم السلام، به دفاع از مکتب خاندان عصمت می پرداخت و بر مخالفان خویش فائق می آمد. از این رو در کتب اهل سنت، از او با نام «شیطان الطاق» یاد شده و فرقه ای به نام «شیطانیه» را به وی نسبت داده اند. اما در مقابل، در روایات چندی از وی تجلیل شده و در متون حدیثی و تاریخی شیعی، «مؤمن الطاق» لقب گرفته است. پژوهش حاضر با گردآوری و بررسی مطالب گزارش شده درباره این شخصیت از منابع رجال، تراجم و تاریخ، تحلیلی از شخصیت روایی و علمی وی ارائه داده و کوشیده است برخی اتهامات طرح شده علیه او را ریشه یابی کند و پاسخ گوید.

واژگان کلیدی: مؤمن الطاق، شیطان الطاق، شیطانیه، متکلمان شیعه، گونه شناسی روایات، رجال، شخصیت شناسی.

۱. پژوهشگر پژوهشکده حدیث حوزه (m.haeri.sh@live.com).

۲. پژوهشگر پژوهشکده حدیث حوزه (@yahoocom1404). (Jarf)

مقدمه

اصحاب ائمه عليهم السلام به دلیل ارتباط ویژه با امامان و نقل و انتشار احادیث، همیشه در معرض تهمت از سوی دشمنان بوده اند. به ویژه شاگردان امام باقر و امام صادق عليهما السلام که به دلیل شرایط سیاسی - اجتماعی مناسب برای نشر معارف شیعی، در امر تبلیغ از هیچ تلاشی فروگذار نمی کردند و مردم را با ادله عقلی و نقلی به مسیر حق رهنمون می شدند. همچنین به دلیل وجود دانشمندان در مذاهب مختلف و ارتقای سطح علمی جامعه، امکان بحث و مناظرات علمی مهیا بود و برخی از شاگردان مکتب ائمه عليهم السلام با تسلط بر مبانی عقیدتی شیعی و با بهره گیری از فنون مناظره و جدل، بر مخالفان فائق می آمدند و این مسئله بر خصومت دشمنان و ایراد اتهامات واهی علیه ایشان می افزود. از جمله این اصحاب، محمد بن علی بن نعمان است که پس از کسب علم در محضر آن ائمه عليهم السلام، به رویارویی علمی با دانشمندان اهل سنت می پرداخت و بر آن ها پیروز می شد.

او عالمی مسلط بر مبانی اصیل شیعی و متکلمی حاذق بود و به دلیل توانمندی در فن مناظره، کسی تاب رویارویی و مناظره با او را نداشت. حرفه «محمد بن نعمان» صرافی بود و به تشخیص طلای مرغوب از نامرغوب شهرت داشت. این امور سبب شد مخالفان و دشمنانش وی را تحمل نکنند و با وارد ساختن اتهاماتی او را «شیطان الطاق» نامیدند. در مقابل، شیعیان در متون تاریخ و حدیث، از او به «مؤمن الطاق» یاد کرده اند.

پژوهش حاضر با بررسی گزارش های پیرامون این شخصیت در کتب رجال، تراجم و تاریخ، شرح حالی اجمالی از وی ارائه می دهد و می کوشد ناروا بودن اتهامات وارده بر او را نمایان سازد. این کار برای بازشناسی شخصیت اصحاب ائمه و تصحیح نگاه های سلیبی و تردیدآمیز به روایات ایشان، به ویژه در فضای علمی ضروری است.

افزون بر کتب رجالی کهن و متأخر، سه کتاب و سه مقاله درباره این شخصیت نگاشته شده است. کتاب «مؤمن الطاق» اثر محمدحسین مظفر، کتاب «مؤمن الطاق، صراف اندیشه ها» از ناصر باقری بیدهندی و «مؤمن الطاق»، نوشته اکبر قوام کرباسی است که درباره زندگی این راوی بحث کرده اند. «متکلمان شیعه؛ مؤمن الطاق» اثر یحیی رهایی منتشر شده در سال ۱۳۷۴ نیز به طور مختصر و جامع، به معرفی این شخصیت پرداخته است. «شخصیه من اعلام الامامیه؛ مؤمن الطاق» نوشته علی محمد جواد فضل الله گزارشی بسیار مختصر و محدود از مؤمن الطاق ارائه کرده است. همچنین مقاله «مؤمن الطاق و روش کلامی او» نگاشته محمدتقی سبحانی، پس از ذکر زندگی نامه ای مختصر از مؤمن الطاق، به کلام از دیدگاه او و مناظرات کلامی وی پرداخته است. پژوهش حاضر با گردآوری اطلاعات مربوط به مؤمن الطاق از منابع کهن، متأخر و معاصر و ارائه آن در قالب چیدمانی جدید، برخی از اتهامات علیه وی را مورد تحلیل قرار داده و روایات او را به طور مختصر گونه شناسی کرده است. این اثر در چهار بخش شخصیت شناسی، ویژگی های علمی و حدیثی، ویژگی های اجتماعی - سیاسی و گونه شناسی روایات تنظیم شده است.

الف) شخصیت شناسی

محمد بن علی بن نعمان بن اَبی طریفه بجلی کوفی، معروف به أبوجعفر، ملقب به مؤمن الطاق، صاحب الطاق، شاه الطاق و أحول،^۳ از شاگردان و اصحاب امام جعفر صادق عليه السلام بود. وی در کودکی، پدرش را از دست داد و تحت تربیت پدربزرگ

۳. نک: فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ص ۲۸۸؛ رجال الطوسی، ص ۲۹۶؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۱۸۵؛ رجال النجاشی، ص ۳۲۵؛ رجال البرقی، ص ۱۷؛ کتاب الرجال لابن داوود، ص ۳۲۶؛ خلاصه الاقوال، ص ۱۳۸؛ لسان المیزان، ج ۷، ص ۳۷۴.

۴. فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ص ۳۸۸.

خویش، نعمان قرار گرفت. ۵. او در بازار کوفه در حجره ای به شغل صراف مشغول بود و در تشخیص طلای مرغوب از نامرغوب مهارتی خاص داشت. در سخن، پرتوان و حاضر جواب بود و فصیح و بلیغ سخن می گفت. در مناظره های بسیاری مخالفان خود را شکست داد و کسی از عهده بحث با او بر نمی آمد. با توجه به همین امتیازات بود که مورد توجه معصومین علیهم السلام قرار گرفت و روایاتی در مدح وی صادر شده است. مخالفان، از شدت کینه و دشمنی، او را شیطان الطاق نامیدند و از این رو در کتب اهل سنت، به این نام معروف شد.

افزون بر مؤمن الطاق، راویان و محدثانی چند در خاندان وی وجود دارند؛ عموی پدر او منذر بن ابی طریفه و فرزندش حسین بن منذر از امام زین العابدین، امام باقر و امام صادق علیهم السلام نقل حدیث کرده اند. ۷. فرزند مؤمن الطاق به نام حارث بن مؤمن الطاق^۸ و نوه دختری اش به نام سهیل بن زیاد^۹ از جمله راویان و مؤلفان شیعه به شمار می آیند که نامشان در کتب رجالی شیعه آمده است.

سال تولد مؤمن الطاق مشخص نیست، ولی نسبت به سال وفات او سه قول وجود دارد که عبارت اند از ۱۴۸، ۱۶۰ و ۱۸۰ هجری قمری. ۱۰. آن چه از روایات به دست می آید، وفات او پس از شهادت امام صادق علیه السلام بوده است؛ زیرا طبق گزارش های موجود، پس از شهادت امام صادق علیه السلام به همراه هشام بن حکم، به خدمت امام کاظم علیه السلام شرفیاب شده است. ۱۱.

القاب محمد بن علی بن نعمان

ابوجعفر محمد بن علی بن نعمان کوفی ملقب به القاب احوّل، مؤمن الطاق، شیطان الطاق، شاه الطاق، صاحب الطاق و طاقی بوده است. ۱۲.

«أحوّل» در لغت و در اصطلاح القاب، به کسی می گویند که یک چشم او لوچ یا چپ باشد و ظاهراً این خصوصیت در وی وجود داشته است. در شرح حال راویان کتب رجال، این لقب برای افراد متعددی به کار رفته است. ۱۳. امام صادق علیه السلام به محمد بن علی بن نعمان لقب «طاقی» داد، ۱۴. ولی بیشتر به «ابوجعفر احوّل» و «صاحب الطاق» معروف است. ۱۵. در برخی کتب نیز او را «شاه الطاق» خوانده اند. ۱۶. «شیطان الطاق» نیز از جمله القاب معروف او در کتب اهل سنت به شمار می رود. درباره معنای «طاق» و دلیل منسوب کردن او به این واژه، اقوالی مطرح است؛ برخی طاق را از ماده طوق _ نام قلعه ای در سرزمین طبرستان _ بیان کرده اند. ۱۷. که محمد بن نعمان، ساکن آن جا بوده است؛ ۱۸. ولی این سخن با قول مشهور و شواهد تاریخی سازگار

۵. مؤمن الطاق (مظفر)، ص ۶.

۶. فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ص ۳۸۸؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۱۸۵؛ رجال النجاشی، ص ۳۲۵؛ کتاب الرجال لابن داوود، ص ۳۲۶؛ خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال، ص ۱۳۸.

۷. رجال النجاشی، ص ۳۲۵.

۸. همان، ص ۱۴۱، فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ص ۱۶۴.

۹. رجال النجاشی، ص ۱۹۲، فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ص ۲۲۸.

۱۰. الانساب، ج ۸، ص ۲۳۸.

۱۱. الارشاد، ج ۲، ص ۲۲۱؛ کافی، ج ۱، ص ۳۵۱، ح ۷.

۱۲. رجال الطوسی، ص ۳۸۸؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۱۸۵؛ رجال النجاشی، ص ۳۲۵؛ رجال البرقی، ص ۱۷؛ خلاصة الاقوال، ص ۱۳۸؛ کتاب الرجال لابن داوود، ص ۳۲۶.

۱۳. نک: رجال الطوسی، ص ۲۶۵، ۳۷۴.

۱۴. کافی، ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۴.

۱۵. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۸۵.

۱۶. شرح کافی الاصول و الروضة، ج ۵، ص ۱۱۸.

۱۷. معجم البلدان، ج ۴، ص ۶.

نیست. ۱۹. آن چه در نسبت دادن طاق به محمد بن نعمان شهرت دارد، محل کار او در بازار طاق المحامل کوفه است. ۲۰.

ذهبی به نقل از کتاب تاریخ ابن ابی طی می گوید:

او در محلی از بازار کوفه به نام طاق المحامل، صرافی داشته است. کسی بر سر تقلبی بودن یا اصالت سکه ای با او بحث می کند و مؤمن طاق پیروز می شود و می گوید: من شیطان الطاق هستم.

همچنین وی از هشام بن الحکم چنین نقل می کند:

من با مؤمن الطاق وارد مسجد کوفه شدم و جماعتی از مرثئه آن جا نشسته بودند. در میان آن ها سفیان و ابوحنیفه نیز بودند و بحثی میان مؤمن الطاق با ابوحنیفه درمی گیرد و مؤمن الطاق پیروز آن مناظره می شود. این باعث می شود که ابوحنیفه به او لقب شیطان الطاق دهد. ۲۱.

بر این اساس، لقب «شیطان الطاق» می تواند به دو صورت معنا شود که یکی بیان گر مدح و دیگری بیان گر ذم است. در صورت اول، به معنای زیرکی و ناآرامی است که در فارسی به شیطنت معروف است. البته این معنا برای کودکان به کار می رود؛ ۲۲. دوم به معنای سرکش، نافرمان و متمرد، یعنی دور شده و رانده شده و به کسی که موجب گمراهی مردم شود می گویند. ۲۳. اگر محمد بن نعمان، خود این لقب را برای خود قرار داده باشد، به معنای مدح است؛ زیرا بنا بر نقلی که بیان شد، مؤمن الطاق زمانی این لقب را به خود داده است که در شناسایی سکه اصیل از تقلبی، بر طرف مقابلش پیروز شده است و این لقب بیان گر زیرکی اوست. اما اگر کسانی همچون ابوحنیفه یا افراد دیگری از اهل سنت این لقب را به وی داده باشند، به معنای ذم است. اما بر اساس آن چه شهرت دارد و از انتساب فرقه «شیطنیه» ۲۴ به وی برمی آید، این لقب از کینه دشمنانش برخاسته است. ۲۵. اگر چه برخی قائل اند که این لقب در اوایل، بار مثبت داشته، اما وجود گزارش هایی این احتمال را رد می کند. ۲۶. به گفته نجاشی، این لقب از سوی دشمنان اوست. ۲۷. ابن داوود و علامه حلی نیز معقدند دیگران به او چنین لقبی داده اند. ۲۸. کشتی در توصیف وی آورده است:

فقالوا: ما هو الا شیطان الطاق؛ ۲۹.

گفتند: او کسی نیست جز شیطان طاق.

شیخ مفید نیز تصریح می کند که مردم این نسبت را به او داده اند. ۳۰.

بنابراین آن چه از مجموع کتب رجال و تراجم برمی آید این است که خود محمد بن نعمان، در نامیده شدن به این لقب نقشی نداشته و لقب «شیطان الطاق» از سوی مخالفان به وی داده شده است که شیعیان نیز در مقابل، او را به «مؤمن الطاق» ملقب کرده اند.

۱۸. القاموس المحيط، ج ۳، ص ۳۵۳.

۱۹. شرح الکافی الاصول و الروضه، ج ۶، ص ۲۷۶؛ الاعلام، ج ۶، ص ۲۷۱.

۲۰. رجال النجاشی، ص ۳۲۵؛ کتاب الرجال لابن داوود، ص ۳۲۶؛ خلاصة الاقوال، ص ۱۳۸.

۲۱. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام، ج ۱۱، ص ۱۸۲، ج ۲۵، ص ۲۶۳.

۲۲. نک: لغت نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۴۷۰۶، مدخل شیطان.

۲۳. نک: همان، ص ۱۴۷۰۶.

۲۴. نک: همان، ص ۱۴۷۰۷.

۲۵. امام صادق علیه السلام و مذاهب اهل سنت، ج ۳، ص ۸۳.

۲۶. مؤمن الطاق و روش کلامی او، ص ۸۳.

۲۷. رجال النجاشی، ص ۳۲۵.

۲۸. کتاب الرجال لابن داوود، ص ۳۲۶؛ خلاصة الاقوال، ص ۱۳۸.

۲۹. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۸۵.

۳۰. اختصاص، ص ۲۰۴.

«بجلی»^{۳۱} نام قبیله مؤمن الطاق بوده است. برخی او را «مولى بجلیه»^{۳۲} نامیده اند؛ یعنی با این قبیله هم پیمان بوده است. در هر صورت، این قبیله کوفی است و کوفی بودن مؤمن الطاق را نتیجه می دهد.

ب) ویژگی های علمی و حدیثی

مؤمن الطاق، فردی عالم و دانشمند بود. وی تیزهوشی و نبوغی مشهود و بیانی استدلالی و محکم داشت. دانشمندان بسیاری از کثرت علم او سخن گفته اند. ^{۳۳} برخی او را متکلم ^{۳۴} و برخی فیلسوف معرفی کرده اند. ^{۳۵} علامه طباطبایی در نوشته های خود به هانری کربن اشاره می کند که افرادی همچون زراره، مؤمن الطاق، هشام بن حکم و مانند آن ها از فلسفه بی بهره نبوده اند. ^{۳۶} با توجه به روایات نقل شده از سوی مؤمن الطاق و وجود برخی حقایق دقیق، می توان گفت او و برخی دیگر از اصحاب مانند زراره و هشام بن حکم در علوم عقلیه متضلع و به فنون استنباط احکام و قیاسات عقلیه و جدل و خطابه و برهان واقف بوده اند.

محمد بن نعمان در فن جدل و مناظره بسیار توان مند بود و از مخالفان، کسی یارای مقابله با او را نداشت. امام صادق علیه السلام در مقام استاد، مباحثات و مناظرات مؤمن الطاق و دیگر شاگردان را رصد می فرمود و در مواقع لزوم، روش و کیفیت مباحثات آنان را مورد نقد یا تشویق قرار می دادند. امام صادق علیه السلام پس از یکی از مناظرات به او فرمود:

قِيَاسٌ رَوَّاعٌ تَكْسِرُ بَاطِلًا بَبَاطِلٍ إِلَّا أَنْ بَاطِلَكَ أَظْهَرَ؛

تو با قیاس و ملاحظه امور مشابه و نیز با لطایف الحیل می خواهی بر خصم غالب آیی و باطل او را به باطل می ش کنی، مگر آن که باطل تو نمایان تر است.

سپس به شخصی دیگر می فرماید:

أَنْتَ وَالْأَحْوَلُ قَفَّازَانِ حَازِقَانِ؛^{۳۷}

تو و آحوَل (مؤمن الطاق) در بحث، پَرش دارید و حاذق هستید.

۱. ادراک محضر چهار امام معصوم علیهم السلام

از بررسی منابع رجال و تاریخ، درمی یابیم که محمد بن علی بن نعمان در طول حیاتش، عصر چهار امام معصوم (از امام سجاد تا امام کاظم علیهم السلام) را درک کرده است. البته روایاتی که وی نقل نموده، از امام صادق علیه السلام است و تنها یک روایت از امام باقر علیه السلام بدون واسطه نقل کرده است. ^{۳۸} برخی گزارش ها حاکی از این است که او زمان امامت امام سجاد علیه السلام را نیز درک کرده بود. ^{۳۹} بر اساس روایتی که در کتاب کافی نقل شده، پس از شهادت امام صادق علیه السلام مؤمن الطاق و هشام بن سالم به دنبال امام بعدی بودند تا این که به خدمت

۳۱. رجال النجاشی، ص ۳۲۵.

۳۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۸۵.

۳۳. رجال النجاشی، ص ۳۲۵؛ رجال العلامة حلی، ج ۱، ص ۱۳۸.

۳۴. رجال النجاشی، ص ۱۹۲.

۳۵. امام شناسی، ج ۵، ص ۱۸۶، ج ۱۶، ص ۱۲۳.

۳۶. نک: الشيعة في الاسلام، ص ۲۰۲.

۳۷. الکافی، ج ۱، ص ۱۷۱، ج ۴.

۳۸. همان، ص ۱۷۶، ج ۳.

۳۹. نک: تأسيس الشيعة لعلوم الإسلام، ص ۴۵۸؛ امام شناسی، ج ۱۶ و ۱۷، ص ۱۲۵.

امام کاظم علیه السلام رسیدند. روایت فوق می تواند دلیلی بر درک محضر امام کاظم علیه السلام توسط وی باشد. ۴۰. نجاشی می گوید:

او از امام علی بن الحسین، امام باقر و امام صادق علیهم السلام روایت نقل کرده است. ۴۱.

با توجه به قرائن موجود می توان گفت او توفیق شاگردی و درک محضر سه امام را داشته است؛ اما دلیلی محکم مبنی بر این که از اصحاب امام سجاده علیه السلام نیز به شمار آید، موجود نیست. به سبب همین ملاحظات است که برخی از نویسندگان او را تنها از یاران امام صادق علیه السلام می شمرند. ۴۲. به هر حال مسلم است او از اصحاب و شاگردان امام صادق علیه السلام بوده و از عالمان و دانشمندان آن زمان محسوب می شده است.

۲. جایگاه وی نزد ائمه علیهم السلام

مؤمن الطاق به سبب ویژگی های منحصر به فردش، نزد ائمه علیهم السلام جایگاهی خاص دارد و روایاتی در مدح او رسیده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

زرارة و برید بن معاویة و محمد بن مسلم و الأحول أحب الناس إلى أحياء و أمواتا؛ ۴۳

زراره و برید بن معاویه و محمد بن مسلم و احوّل (مؤمن الطاق) محبوب ترین مردم نزد من هستند؛ چه زنده و چه از دنیا رفته باشند.

همچنین ابو خالد کابلی می گوید:

ابا جعفر صاحب الطاق را در روضه پیامبر صلی الله علیه و آله دیدم که نشسته بود و بر اثر ازدحام اهل مدینه، عبایش افتاده بود و پشت سر هم به پرسش های مردم پاسخ می داد. نزدیکش رفتم و گفتم که امام صادق علیه السلام ما را از سخن گفتن در میان مردم نهی کرده بود؟! گفت: آیا امام به تو امر کرده که مرا از این کار نهی کنی؟ گفتم: نه، ولی به من امر کرده که با احدی بحث نکنم. گفت: برو و دستورش را اطاعت کن. سپس خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و این جریان را برای ایشان تعریف کردم. حضرت لبخندی زد و فرمود: ای ابا خالد! صاحب طاق وقتی با مردم سخن می گوید، بر خلاف تو از عهده آن برمی آید. ۴۴

امام صادق علیه السلام، پس از شنیدن جریان مناظره مؤمن الطاق با زید بن علی بن الحسین، از او تمجید بسیار کرد. ۴۵. روایات دیگری در بیان مقام و منزلت مؤمن الطاق نزد ائمه علیهم السلام وجود دارد که در منابع روایی ذکر شده است. ۴۶. از ظاهر برخی روایات، چنین تصور می شود که این روایات در ذم مؤمن الطاق است. ۴۷. ملاصدرا در شرح اصول کافی می گوید:

علاوه بر مشکل سندی در این روایات، ظاهر کلام امام صادق علیه السلام تقیه است که اصحاب را از جدل در برخی شرایط نهی می کند. ۴۸.

۴۰. الارشاد، ج ۲، ص ۲۲۱؛ الکافی، ج ۱، ص ۳۵۱، ح ۷.

۴۱. رجال النجاشی، ص ۳۲۵.

۴۲. فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ص ۳۸۸؛ تحف العقول، ص ۳۰۷.

۴۳. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۸۵.

۴۴. همان.

۴۵. همان، ص ۱۸۶.

۴۶. همان، ص ۱۸۹.

۴۷. همان، ص ۱۹۰.

۴۸. شرح کافی الاصول و الفروع، ج ۲، ص ۱۷۲.

۳. شاگردان

در میان شاگردان مؤمن الطاق، نام بسیاری از بزرگان شیعه به چشم می خورد که بعضی از آن ها صاحب کتاب بوده اند؛ از جمله آنان، حسن بن محبوب از اصحاب امام رضا علیه السلام است ^{۴۹} که در زمره اصحاب اجماع قرار دارد ^{۵۰} و نیز می توان از یونس بن عبدالرحمن، عمر بن اذنیه، جمیل بن صالح، أبان بن عثمان، صفوان بن یحیی، ابن ابی عمیر، ابن مسکان، محمد بن سنان و چندین تن دیگر نام برد. عده ای تصریح کرده اند که شاگردان مؤمن الطاق از مردان بزرگ و مشاهیر راویان و بزرگان ثقات به شمار می آیند. ^{۵۱}

۴. سخن بزرگان

از جمله امتیازات شخصیت علمی مؤمن الطاق، افزون بر بهره مندی از دانش عمیق، تبهّر خاص او در فنّ مناظره و انجام مناظراتی متعدد با برخی مشاهیر مخالف مذهب شیعه است. همین مسئله باعث شد نام وی در بیشتر کتب تراجم و رجال شیعه و اهل سنت ذکر شود. کَشّی با ذکر روایتی از امام صادق علیه السلام که درباره او و سه نفر دیگر فرمود: «آن ها محبوب ترین انسان ها نزد من هستند»، دیدگاه خویش را درباره وثاقت و قابل اعتماد بودن وی از همه جهات بیان کرده است. ^{۵۲} نجاشی به او کتاب هایی نسبت داده و از مقام و منزلت علمی او تمجید کرده است. ^{۵۳} شیخ طوسی نیز به ثقه بودن او تصریح می کند. ^{۵۴} مرزبانی او را در زمره عالمان و شاعران شیعه نام می برد و می گوید:

ابوجعفر محمد بن علی بن نعمان معروف به طاق است؛ چون در بازار طاق المحامل کوفه صرافی داشت. او در سخن فصیح و بلیغ بود و از مناظره و جدل درباره امامت سررشته داشت. وی حاضر جواب بود و چندین مناظره کوتاه و بلند از او نقل شده که طرف مقابلش را شکست داده است. ^{۵۵}

همچنین اشعاری نیز به او منسوب شده است. ^{۵۶} ابن ندیم در شرح حال او می گوید:

ابو جعفر محمد بن نعمان احوال در طاق المحامل کوفه دگانی داشت. عامه از او با لقب شیطان طاق و خاصه (شیعیان) با مؤمن طاق یاد می کنند و برخی از یارانش او را شاه طاق می نامند. وی از اصحاب اباعبدالله جعفر بن محمد صادق علیه السلام است. با زید بن علی بن الحسین نیز ملاقات کرده و با او درباره امامت صادق علیه السلام مناظره داشته است و علی بن حسین علیه السلام را نیز زیارت کرده است. به او شیطان طاق می گفتند؛ زیرا وقتی صرافی می کرد، با گروهی بر سر سکه ای تقلبی بحث کرد و با دلیل آن ها را راضی کرد که سکه تقلبی است و گفت: من شیطان طاق هستم؛ یعنی دکان من در طاق المحامل است. از آن پس، این لقب بر او ماند. او اعتقاد صحیحی داشت و اهل هدایت بود. وی در سخن ورزی و حاضر جوابی پرتوان و حاذق بود. ^{۵۷}

۵. تألیفات

شیخ طوسی چند کتاب به مؤمن الطاق نسبت می دهد. کتاب الإمامه، کتاب المعرفة، کتاب الرد علی المعتزلة فی

۴۹. فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ص ۱۲۲.

۵۰. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۵۶.

۵۱. نک: من اعلام الامامیه؛ مؤمن الطاق.

۵۲. اختیار معرفة الرجال، ص ۱۸۵.

۵۳. رجال النجاشی، ص ۳۲۵.

۵۴. رجال الطوسی، ص ۳۴۳.

۵۵. نک: امام صادق علیه السلام و مذاهب اهل سنت، ج ۳.

۵۶. نک: من اعلام الامامیه؛ مؤمن الطاق.

۵۷. الفهرست لابن ندیم، تکمله، ص ۸.

امامة المفضول، كتاب فى امر طلحه و زبير و عائشه، كتاب اثبات الوصية و كتاب افعلى لاتفعل ٥٨. نجاشى درباره كتاب «كتاب افعلى لاتفعل» مى گويد:

من اين كتاب را نزد احمد بن الحسين بن عبيد الله ديدم و كتاب بزرگ و خوبى بود. در آن به برخى از تبائين ها در اقوال صحابه اشاره کرده است؛ ولى برخى از متأخران در آن احاديث فاسدى داخل کرده اند. ٥٩.

نجاشى كتاب هاى ديگرى نيز به او نسبت مى دهد كه برخى از آن ها عبارت اند از كتاب مناظرات مع ابوحنيفة و المرجئه، ٦٠. كتاب مناظرات با خوارج و كتاب الاحتجاج فى امامة امير المؤمنين عليه السلام. ٦١.

ج) زندگى اجتماعى و سياسى

مؤمن الطاق، دانشمندی بود که به کسب علم از محضر ائمه عليهم السلام و نگارش کتب و تألیفات علمى اکتفا نکرد. او به پشتوانه قدرت علمى و نيز به مدد برخوردارى از نبوغ و مهارت در مناظره و بحث، علم خویش را به میان جامعه آورد تا ديگران را نيز با معارف اهل بيت آشنا سازد و به نيازهاى علمى و اعتقادى شان پاسخ گوید. او در اين مسير، هم به پرسش هاى عموم مردم پاسخ مى داد ٦٢ و هم با مناظره و بحث با مشاهيرى از مخالفان مکتب اهل بيت عليهم السلام آشکارا به مصاف تفكرات سياسى و اعتقادى غيرشيعى مى رفت. او در فن مناظره و جدل، به قدرتى شگرف معروف شده بود و همه به قدرت فکرى و مهارتش در استدلال آگاهى داشتند. تاريخ نگاران نيز به حاضر جوابى و برترى او در مناظره ها اعتراف کرده اند. از جمله مناظرات او، گفت و گوى که با مردى شامى است در حضور امام صادق عليه السلام انجام داده است.

حضرت در پايان آن مناظره به محمد بن نعمان فرمود:

بسيار با قياس و ملاحظه امور مشابه و نيز با لطايف الحيل مى خواهى بر خصم غالب آيى و باطل او را به باطل مى ش کنى، الا آن كه باطل تو نمايان تر است. ٦٣.

از ديگر مناظرات او، مناظره با زيد بن على بن حسين عليه السلام است. اين مناظره به دو صورت گزارش شده كه صورت اول را كسى نقل کرده ٦٤ و ديگرى در الكافى نقل شده است. ٦٥ محمد بن نعمان با ابوحنيفة مناظرات بسيارى داشته است كه برخى از آن ها گزارش شده اند. ٦٦ مناظره با ابى خدره، ٦٧ ضحاک شارى، ٦٨ ابن ابى العوجاء ٦٩ و برخى رؤسای عامه ٧٠ از ديگر مناظرات گزارش شده از مؤمن الطاق به شمار مى رود. كثرت مناظرات گزارش شده وى در متون تاريخ و حديث، خود نشان از توان بالاي جدل و بحث در اوست.

٥٨. فهرست كتب الشيعة و اصولهم، ص ٣٨٨.

٥٩. رجال النجاشى، ص ٣٢٥.

٦٠. بحوث فى الممل و النحل، ج ٧، ص ٤٥.

٦١. رجال النجاشى، ص ٣٢٥.

٦٢. نك: اختيار معرفة الرجال، ص ١٨٥.

٦٣. الكافى، ج ١، ص ١٧١، ٤: الارشاد، ج ٢، ص ١٩٤؛ الاحتجاج، ج ٢، ص ٣٦٤؛ كشف الغمه، ج ٢، ص ١٧٣.

٦٤. اختيار معرفة الرجال، ص ١٨٦.

٦٥. الكافى، ج ١، ص ١٧٤؛ الاحتجاج، ج ٢، ص ٣٧٦.

٦٦. الكافى، ج ٥، ص ٤٥٠؛ الاختصاص، ص ١٠٩؛ الاحتجاج، ج ٢، ص ١٤٨؛ اختيار معرفة الرجال، ص ١٨٥ - ١٩٠؛ اصل الشيعة و اصولها، ص ١٤٠؛ تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام، ج ١١، ص ١٨٣.

٦٧. الاحتجاج، ج ٢، ص ١٤٣؛ شرح الاخبار، ج ٢، ص ٢٢٧.

٦٨. اختيار معرفة الرجال، ص ١٨٧.

٦٩. همان، ص ١٩٠.

٧٠. القواعد و الفوائد، ج ٢، ص ١٠٠.

فرقه شیطانیه

در برخی کتب تاریخ و ملل و نحل، نام فرقه هایی به چشم می خورد که به برخی از بزرگان شیعه نسبت داده شده است، ولی مستند و شواهدی پذیرفتنی که ثابت کند این فرق، بر ساخته یا حتی مربوط به آن هاست وجود ندارد. از جمله آن فرقه ها، فرقه شیطانیه است که به محمد بن نعمان مؤمن الطاق (شیطان الطاق) نسبت داده اند.

مرزوی (م ۵۶۲ق) _ از تاریخ نگاران اهل سنت _ در کتاب الانساب، فرقه شیطانیه را به مؤمن الطاق و تعدادی از غلات شیعه نسبت داده و می گوید که آن ها به شیطانیه معروف شده اند. در ادامه برخی مسائل را از عقاید آن ها برمی شمرد که در ظاهر درست نیست. ۷۱

ابوالمظفر اسفراینی (م ۴۷۱ق) فرقه شیطانیه را به پیروان محمد بن علی بن نعمان الرافضی نسبت می دهد و می گوید: «او کسی است که به او لقب شیطان الطاق داده اند و او درباره امامت، مذهبی قطعی دارد». سپس می گوید: «آن ها معتقدند خداوند پیش از به وجود آمدن شر، از وجود آن آگاه نبوده است». وی این عقیده را نیز به هشام بن حکم نسبت داده و می گوید: «این دو نفر در بسیاری از بدعت ها هم عقیده اند». در ادامه از چند فرقه دیگر همچون زیدیه و کیسانیه نام می برد و همگی را جزو فرق امامیه می شمرد. ۷۲

محمد بن عبدالکریم شهرستانی نیز شیطانیه را به مؤمن الطاق منتسب کرده است. ۷۳ نویسنده کتاب فرهنگ فرق اسلامی، از فرقه ای به نام «نعمانیه» نام می برد و آن را به ابوجعفر محمد بن نعمان احوال _ معروف به مؤمن الطاق _ نسبت می دهد. از ظاهر عبارت وی چنین برمی آید که نعمانیه همان شیطانیه است. او از اشعری نقل می کند:

شیطانیه پنداشتند خدای عالم در نفس خود جاهل نیست، اما عالم به اشیاء است و آن ها را تقدیر و اراده می کند و پیش از آن که آن ها را تقدیر و اراده کند به آن ها علم نداشته است.

همچنین به نقل از شهرستانی می نویسد:

مؤمن الطاق گفت: خداوند نوری از نورها به صورت آدمی است. از کتبی که نعمان تألیف کرد «افعل و لا تفعل» است و در آن کتاب گوید: فرقه های بزرگ عالم چهارند؛ قدریه (معتزله)، خوارج، عامه (سفیان) و شیعه و فرقه شیعه همان فرقه ناجیه است.

از عبدالقاهر بغدادی نیز چنین نقل می کند:

مؤمن الطاق رشته امامت را از علی علیه السلام به فرزندش موسی بن جعفر علیه السلام کشانید و از قطعیه بود و با هشام بن سالم جوالیقی که گفت: افعال بندگان اجسام اند و بنده را شاید که از وی جسم سر زند انباز شد. ۷۴

برخی نویسندگان متأخر نیز با نام بردن از این فرقه، آن را به مؤمن الطاق نسبت داده اند؛ اما آن را از فرق معتزله بر شمرده و در ادامه مؤمن الطاق را از غلات شیعه دانسته اند که در این متون، تناقضی آشکار به چشم می خورد. ۷۵ روشن است که تمامی این اتهامات منسوب شده به شیعه امامیه، همگی بدون دلیل و باطل است. شیعه نه تنها به هیچ یک از این خرافات معتقد نیست، بلکه باورمندان به آن ها را از بدعت گذاران می داند؛ چه رسد به این که افرادی بزرگ همچون هشام بن حکم و مؤمن الطاق بخواهند روی این سخنان پافشاری کنند و بر این سخنان باطل،

۷۱. الانساب، ج ۳، ص ۵۰۱.

۷۲. التبصیر فی الدین، ص ۳۵.

۷۳. الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۸۶.

۷۴. فرهنگ فرق اسلامی، ص ۴۴۶.

۷۵. تاریخ علم کلام در ایران و جهان، ص ۱۱۹؛ الاعلام، ج ۶، ص ۲۷۱.

فرقه ای جدید بنا نمایند.

در میان آثار بزرگان شیعه در رجال، تراجم و تاریخ، هیچ نامی از این فرقه به چشم نمی خورد. نویسندگانی که این اتهامات را به مؤمن الطاق نسبت می دهند، هیچ مستندی دال بر وجود این فرق و انتساب آن به مؤمن الطاق ارائه نکرده اند و این خود دلیلی بر واهی بودن این اتهامات و تخریب وجهه پرنفوذ آنان است. افزون بر این، کسانی که این انتساب را طرح می کنند، از قرن پنجم و ششم به بعد می زیستند و با زمان مؤمن الطاق حدود سه قرن فاصله داشته اند؛ در حالی که در متون پیش از قرن پنجم و ششم، نشانه هایی مبنی بر وجود چنین فرقه هایی یافت نمی شود و ادعاهای مطرح شده در متون پس از قرن ششم نیز بدون مستند و مدرک اند و به منابع متقدم ارجاع نمی دهند.

د) گونه شناسی روایات

روایات گزارش شده از مؤمن الطاق، در گونه های مختلف علمی است. او به جز مناظرات، راوی حدود هفتاد روایت در کتب اربعه است که در گونه های روایات فقهی، تفسیری، کلامی و اخلاقی هستند. در روایات فقهی ابجائی همچون طهارت، صلوات، خمس، نکاح، صوم، زکات، اجاره، جهاد، حج و ارث به چشم می خورد؛ موضوعاتی مانند حب و بغض خداوند، پیامبران پیشین، فرق بین رسول و نبی، قرآن، امامت، ایمان و کفر، شیطان، معاد، شیعیان، شفاعت، سؤال از عالم و... نیز از محورهای مهم روایات تفسیری و کلامی محمد بن علی بن نعمان است.^{۷۶} افزون بر آن که در متون تاریخی، مستنداتی دال بر انحرافات فکری و عقیدتی مؤمن الطاق یافت نشده است، بررسی روایات منقول از وی نشان می دهد که در روایات او نیز هیچ رد پایی از اتهامات و سخنانی که برخی از اهل سنت به او نسبت داده اند وجود ندارد.

نتیجه

محمد بن علی بن نعمان معروف به مؤمن الطاق، از راویان جلیل القدر و ثقه شیعه به شمار می رود. او در فن مناظره، صاحب دانشی عمیق و برخوردار از قدرت و تبحر بود. وی از اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام بود و از این دو امام همام، روایات نقل کرده است. بنابر یک گزارش، او در اواخر عمر، توفیق درک زمان امام کاظم علیه السلام را نیز داشت. به دلیل مهارت در کار صرافیه و تشخیص طلای مرغوب از نامرغوب و همچنین قدرت علمی در بحث با دشمنان اهل بیت علیهم السلام، به او لقب شیطان الطاق داده شد. بر اساس قرائن موجود، این لقب از سوی دشمنان به وی داده شده است که شخصیت دینی و علمی اش تحت الشعاع قرار گیرد. در مقابل، شیعیان او را «مؤمن الطاق» نامیدند. در منابع روایی معتبر شیعه، روایات و مناظرات او گزارش شده است.

منابع

١. الإحتجاج على أهل اللجاج ، احمد بن على طبرسى ، تحقيق : محمدباقر خراسان ، مشهد ، نشر مرتضى ، اول ، ١٤٠٣ق .
٢. الاختصاص ، محمد بن محمد بن نعمان (شيخ مفيد) ، تحقيق : على اكبر غفارى ، قم ، المؤتمر العالمى لالفية الشيخ المفيد ، اول ، ١٤١٣ق .
٣. اختيار معرفة الرجال ، محمد بن عمر كشى ، تحقيق : حسن مصطفى ، مشهد ، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد ، اول ، ١٤٠٩ق .
٤. الارشاد ، محمد بن محمد بن نعمان (شيخ مفيد) ، تهران ، نشر اسلاميه ، دوم ، بى تا .
٥. اصل الشيعة و اصولها ، محمد حسين آل كاشف الغطاء ، بيروت ، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات ، ١٤١٣ق .
٦. الاعلام ، خيرالدين زركلى ، بيروت ، دارالعلم للملايين ، ٢٠٠٢م .
٧. امام شناسى ، سيد محمد حسين حسيني طهرانى ، مشهد ، انتشارات علامه طباطبايى ، هشتم ، ١٤٣٠ق .
٨. امام صادق عليه السلام و مذاهب اهل سنت ، اسد حيدر ، قم ، انتشارات دانشگاه اديان و مذاهب ، دوم ، ١٣٩٠ش .
٩. الانساب ، عبدالكريم بن محمد سمعانى ، هند ، دائرة المعارف العثمانيه ، اول ، ١٣٨٢ق .
١٠. بحوث فى الملل و النحل ، جعفر سبحانى تبريزى ، قم ، نشر جامعه مدرسين ، هفتم ، ١٣٨٧ش .
١١. تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام ، محمد بن احمد ذهبى ، تحقيق : عمر عبدالسلام تدمرى ، بيروت ، دارالكتب العربى ، ١٤٠٩ق .
١٢. تاريخ علم كلام در ايران و جهان ، على اصغر حلبى ، تهران ، نشر اساطير ، ١٣٧٦ش .
١٣. تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام ، سيد حسن صدر ، تهران ، نشر اعلمى ، ١٣٧٦ش .
١٤. التبصير فى الدين ، شهفور بن طاهر اسفراينى ، قاهره ، المكتبة الازهرية للتراث ، بى تا .
١٥. تحف العقول ، ابن شعبه حرانى ، تحقيق : على اكبر غفارى ، قم ، نشر جامعه مدرسين ، دوم ، ١٤٠٤ق .
١٦. جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات ، محمد بن على اردبيلى ، بيروت ، دارالاضواء ، اول ، ١٤٠٣ق .
١٧. خلاصة الاقوال فى معرفة الرجال ، حسن بن يوسف حلى ، مشهد ، آستان قدس رضوى ، اول ، ١٣٨١ش .
١٨. رجال البرقى ، احمد بن محمد برقى ، تحقيق : حسن مصطفى ، تهران ، انتشارات دانشگاه تهران ، اول ، ١٣٤٢ش .
١٩. رجال الطوسى ، محمد بن حسن طوسى ، تحقيق : جواد قيومى اصفهانى ، قم ، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدسه ، سوم ، ١٣٧٣ش .
٢٠. رجال العلامة حلى ، حسن بن يوسف حلى ، تصحيح : محمدصادق بحر العلوم ، قم ، نشر الشريف الرضى ، دوم ، ١٤٠٢ق .
٢١. رجال النجاشى ، احمد بن على نجاشى ، قم ، مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجامعة المدرسين بقم المقدسه ، ششم ، ١٣٦٥ش .
٢٢. شرح الأخبار فى فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام ، نعمان بن محمد بن حيون ، تحقيق : محمدحسين حسيني جلالى ، قم ، جامعه مدرسين ، اول ، ١٤٠٩ق .
٢٣. شرح الكافى الاصول و الروضه ، محمد صالح بن احمد مازندرانى ، تحقيق : ابوالحسن شعرانى ، تهران ، المكتبة الاسلاميه ، اول ، ١٣٨٢ق .

۲۴. «شخصية من اعلام الامامية؛ مؤمن الطاق»، على محمد جواد فضل الله، مجله بقیة الله، شماره ۱۶۷، ۲۰۰۵م.
۲۵. شیعه در اسلام، سید محمدحسین طباطبایی، بی جا، نشر واریان، دوم، ۱۳۸۰ش.
۲۶. فهرست کتب الشیعة و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: عبدالعزیز طباطبایی، قم، نشر مکتبه محقق طباطبایی، اول، ۱۴۲۰ق.
۲۷. الفهرست، محمد بن اسحاق بن ندیم، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۲۸. فرهنگ فرق اسلامی، محمدجواد مشکور، مشهد، نشر بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ش.
۲۹. القاموس المحيط، محمد بن یعقوب فیروزآبادی، بیروت، دار الکتب العلمیه، اول، ۱۴۱۵ق.
۳۰. القواعد و الفوائد، محمد بن مکی، تحقیق: سید عبدالهادی حکیم، قم، نشر مکتبه المفید، بی تا.
۳۱. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۲. کتاب الرجال لابن داوود، حسن بن علی بن داود حلّی، تهران، دانشگاه تهران، اول، ۱۳۴۲ش.
۳۳. کشف الغمة فی معرفة الأئمة، علی بن عیسی اربلی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، اول، ۱۳۸۱ق.
۳۴. لسان المیزان، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، تحقیق: عبدالفتاح ابی غده، مکتب المطبوعات الاسلامیه، اول، ۱۴۲۳ق.
۳۵. لغت نامه، علی اکبر دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، دوم، ۱۳۷۷ش.
۳۶. مؤمن الطاق، اکبر قوام کرباسی، تهران، نشر پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۹۴ش.
۳۷. مؤمن الطاق، محمدحسین مظفر، ترجمه: سید علی فتوحی، تبریز، نشر اقبال، اول، ۱۳۷۶ش.
۳۸. معجم البلدان، ابو عبدالله یاقوت حموی، ترجمه: علی نقی منزوی، تهران، نشر سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۸۰ش.
۳۹. الملل و النحل، ابو الفتح محمد بن عبدالکریم شهرستانی، به کوشش: محمدسعید کیلانی، مصر، مطبعة مصطفى بابی حلبی، ۱۹۷۶م.
۴۰. «مؤمن الطاق و روش کلامی او»، محمدتقی سبحانی و اکبر قوام کرباسی، مجله کلام اسلامی، سال ۲۲، شماره ۸۵، بهار ۱۳۹۲ش.
۴۱. «متکلمان شیعه؛ مؤمن الطاق»، یحیی رهایی، مجله کلام اسلامی، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۷۴ش.